

مست باده‌ی ازل

درسنامه‌ی دانشگاهی غزلیات حافظ (۱) و (۲)

دکتر غلامحسین عمرانی - هامون

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا
گروه زبان و ادبیات فارسی

نام کتاب: مست بادهی ازل

تألیف: دکتر غلامحسین عمرانی - هامون

ناشر: مؤسسه انتشاراتی جمال هنر

نظارت فنی و امور چاپ: سعید قونسوری، محمد امیری

طراح جلد: محمدعلی کشاورز

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۱۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۸۴-۴۸-۹

تهران، خیابان انقلاب

خیابان منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)

بین خیابان رودشور و

خیابان لبافی نژاد، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۴۸۸۵۲۱، ۶۶۴۸۸۵۷۱

۰۹۱۳۵۴۷۰۴۱۰، ۰۹۱۳۶۱۸۰۸۳۹

دورنگار و پیام گیر: ۶۶۴۶۲۵۱۴

قونسوری - امیری

سرشناسه: عمرانی، غلامحسین، ۱۳۳۲ -

عنوان قرارداد: غزلیات، شرح.

دیوان، برگزیده، شرح

عنوان و نام پدیدآور: مست بادهی ازل: دوستانه‌ی دانشگاهی غزلیات

حافظ (۱) و (۲) / غلامحسین عمرانی هامون.

مشخصات نشر: تهران: جمال هنر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۳۸۷ص.

شابک: 978-964-6884-48-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر غزلیات حافظ است.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ق - نقد و تفسیر

موضوع: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ق. دیوان، برگزیده

موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ق. - تاریخ و نقد

شناسه افزوده: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ق. دیوان، برگزیده، شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ PIR0436/p8505

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۸۹۵۶

اهدای کتاب به روح مادرم، و تقدیم به همسرم در مقام زن ایرانی

به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش
چنین که حافظ ما مست باده‌ی ازل است
«حافظ»

به یاد مادرم حاجیه خانم نگار خدام، و تقدیم به همسرم
مادرم بزرگ‌ترین گواه شعر و شرح غزلیات حافظ بود که نگاهش، و سکوتش در شب مرا به
ادامه‌ی مطالعات شعر و تأمل در هستی‌شناسی حافظ وامی‌داشت... مادرم که خود - نگار مکتب
نرفته‌ی حافظ بود و من که فرزند شعر بودم و او که مدرّس شعرم بود و تا من به خواب فرو نمی‌رفتم
جسماً و روحاً بیدار بود و آن‌گاه که من جسماً می‌خوابیدم آخرین کسی که چراغ را خاموش می‌کرد او
بود و هر دو روحاً - حتی در خواب - بیدار بودیم و پدر که برمی‌خواست تا ما - هر دو را - برای نماز
صدا بزنند (... من به شرح غزل‌های حافظ مشغول بودم و در اثنای سرایش شعرهایم، مادر به نماز
شب مشغول بود و اذان صبح را گفته بودند و او نماز صبح را نیز گزارده بود.... پدر برای اذان گفتن
برمی‌خواست در حالی که مادرم تمام طول شب را تا نماز با اعداد با فرزند شاعرش نشسته بود.)
و همسرم که بیش از من در همه احوال، مراقب مادرم بود... و اکنون نیز بیش از من به روح
جاودانه‌ی مادرم فاتحه می‌فرستد... و در فقدان مادرم، تنها اوست که مراقب حال من است.

فهرست مندرجات

● فصل اول - مقدمه و کلیات

الف	حافظ کیست؟
ب	چرا حافظ محبوب‌ترین شاعر ایرانی است؟
ت	در سنامه چیست؟
ح	آشنایی من با غزلیات حافظ
ذ	توجه به کیفیت هوس غزلیات حافظ
ر	شیوه‌های تدریس غزلیات حافظ
س	کتابشناسی حافظ
ض	نقد و تعریض بر فقدان معنویت عصر حاضر
ع	مستِ باده‌ی ازل
ق	پیوند ازلی حافظ با غزل کلاسیکی
م	زندگی حافظ
پ پ	تاریخچه مختصر غزل
ت	چندگونگی غزل‌های حافظ

● فصل دوم - متن غزلیات

۱	غزل ۱ / ألا یا ایُّهَا السَّاقی اَدِرْ کَاساً و ناولِّها
۱	غزل ۲ / صوفی بیا که آینه صافیست جام را
۱	غزل ۳ / ساقیا، برخیز و در ده جام را
۲	غزل ۴ / دوش از مسجد سویی میخانه آمد پیر ما
۲	غزل ۵ / ساقی بنورِ باده برافروز جام ما
۳	غزل ۶ / ای شاهدِ قدسی که کشد بندِ نقابت؟
۳	غزل ۷ / خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
۴	غزل ۸ / سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
۴	غزل ۹ / ای نسیم سحر، آرامگو یار کجاست؟
۵	غزل ۱۰ / چو بشنوی سخن اهلِ دل مگو که خطاست
۵	غزل ۱۱ / مَطْلَب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
۶	غزل ۱۲ / زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

مست بادهی ازل

- غزل ۱۳ / در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست ۶
- غزل ۱۴ / رواقِ منظرِ چشمِ من آشیانه‌ی توست ۶
- غزل ۱۵ / بیا که قصرِ املِ سخت سست بنیادست ۷
- غزل ۱۶ / حال دل با تو گفتم هوس است ۷
- غزل ۱۷ / درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است ۸
- غزل ۱۸ / صوفی از پرتو می رازِ نهانی دانست ۸
- غزل ۱۹ / منم که گوشه میخانه خانقاه منست ۹
- غزل ۲۰ / ز گریه مردم چشمم نشسته در خونست ۹
- غزل ۲۱ / دل سرا پرده محبت اوست ۹
- غزل ۲۲ / مریحایای بیک مشتاقان، بده پیغام دوست ۱۰
- غزل ۲۳ / خوشتر عیش و صحبت و باغ و بهار چیست؟ ۱۰
- غزل ۲۴ / روشن از چهره رویت نظری نیست که نیست ۱۱
- غزل ۲۵ / حاصلِ کارِ گداز و مکان این همه نیست ۱۱
- غزل ۲۶ / بلبلِ برگِ گلی خوشی رنگ در بقار داشت ۱۲
- غزل ۲۷ / غیب رندان مکن، ای زاهد با کوره سرشت ۱۲
- غزل ۲۸ / صبحدم مرغِ چمن با گلِ نو خاسته گفت ۱۳
- غزل ۲۹ / گریز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت ۱۳
- غزل ۳۰ / حسنت به اتفاقِ ملاحت جهان گرفت ۱۳
- غزل ۳۱ / ای هدهد صبا به سبا می فرستم ۱۴
- غزل ۳۲ / زان یار دلخوازم شکریست با شکایت ۱۴
- غزل ۳۳ / مدامم مست می دارد نسیمِ جعدِ گیسویت ۱۵
- غزل ۳۴ / روز وصلِ دوستان باد باد ۱۵
- غزل ۳۵ / صوفی ارباده به اندازه خورد نوشش باد ۱۶
- غزل ۳۶ / تنت به نازِ طیبیان نیازمند مباد ۱۶
- غزل ۳۷ / عکسِ رویِ تو چو در آینه جام افتاد ۱۷
- غزل ۳۸ / درختِ دوستی بشنان که کام دل به بار آرد ۱۷
- غزل ۳۹ / بیتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد ۱۷
- غزل ۴۰ / هر آنکو خاطرِ مجموع و یارِ نازنین دارد ۱۸
- غزل ۴۱ / هر آنکه جانبِ اهلِ خدا ننگه دارد ۱۸
- غزل ۴۲ / مطربِ عشقِ عجب ساز و توانی دارد ۱۹

فهرست مندرجات

غزل ۴۳ / شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد	۱۹
غزل ۴۴ / جان بی جمالِ جانان میلِ جهان ندارد	۲۰
غزل ۴۵ / روشنیِ طلعتِ تو ماه ندارد	۲۰
غزل ۴۶ / نیست در شهر نگاری که دلِ ما ببرد	۲۱
غزل ۴۷ / سحر بلبلِ حکایت با صبا کرد	۲۱
غزل ۴۸ / صوفی نهاد دام و سرِ حقه باز کرد	۲۲
غزل ۴۹ / بلبلیِ خونِ دل خورد و گلیِ حاصل کرد	۲۲
غزل ۵۰ / دل از من برد و روی از من نهان کرد	۲۳
غزل ۵۱ / سالها دل طلبِ جامِ جم از ما می کرد	۲۳
غزل ۵۲ / یارم چو قدح بدست گیرد	۲۴
غزل ۵۳ / دلم جز مهرِ مهر و یارِ طریقی بر نمی گیرد	۲۴
غزل ۵۴ / دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی ارزد	۲۵
غزل ۵۵ / در ازل بر تو حسنت ز تجلی دم زد	۲۵
غزل ۵۶ / راهی بزن که آهی بر سارِ آن توان زد	۲۵
غزل ۵۷ / نقدِ صوفی نه همه صافی بیعتش باشد	۲۶
غزل ۵۸ / کی شعرِ تر انگیزد خاطر که حزین باشد	۲۶
غزل ۵۹ / خوش آمد گلِ وزان خوشتر نباشد	۲۷
غزل ۶۰ / گل بی رخ یار خوش نباشد	۲۷
غزل ۶۱ / نفسِ بادِ صبا مشکِ فشان خواهد شد	۲۷
غزل ۶۲ / روزِ هجران و شبِ فرقت یار آخر شد	۲۸
غزل ۶۳ / ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد	۲۸
غزل ۶۴ / گداخت جان که شود کارِ دل تمام و نشد	۲۹
غزل ۶۵ / یاری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد؟	۲۹
غزل ۶۶ / حافظ خلوت نشین دوش به میخانه شد	۳۰
غزل ۶۷ / در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد	۳۰
غزل ۶۸ / مژده، ای دل، که دگر بادِ صبا باز آمد	۳۱
غزل ۶۹ / محرم دولتِ بیدار بیالین آمد	۳۱
غزل ۷۰ / نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند	۳۱
غزل ۷۱ / هر که شد محرمِ دل در حرمِ یار بماند	۳۲
غزل ۷۲ / رسید مژده که ایامِ غم نخواهد ماند	۳۲

مست باده‌ی ازل

- غزل ۷۳ / دوش و قوت سحر از غصه نجاتم دادند ۳۳
- غزل ۷۴ / دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند ۳۳
- غزل ۷۵ / نقدها را بُود آیا که عیاری گیرند؟ ۳۴
- غزل ۷۶ / دلا بسوز که سوز تو کارها بکند ۳۴
- غزل ۷۷ / مرا به رندی و عشق آن فصول عیب کند ۳۴
- غزل ۷۸ / سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟ ۳۵
- غزل ۷۹ / در نظر بازی ما بیخبران حیرانند ۳۵
- غزل ۸۰ / سمن بویان غبار غم چو بنشیند، بنشانند ۳۶
- غزل ۸۱ / غلام برگین مست تو تاجدارانند ۳۶
- غزل ۸۲ / آنان که خاک را بنظر کیما کنند ۳۷
- غزل ۸۳ / واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند ۳۷
- غزل ۸۴ / دانی که چنگ و خرد چه تقریر می‌کنند ۳۸
- غزل ۸۵ / بود آیا که در میکرده‌ها بگشایند؟ ۳۸
- غزل ۸۶ / سالها دفتر ما در گرو صهباء بود ۳۹
- غزل ۸۷ / یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود ۳۹
- غزل ۸۸ / تا زمیخانه و می نام و نشان خواهد بود ۴۰
- غزل ۸۹ / پیش ازینت بیش ازین اندیشه عشاق بود ۴۰
- غزل ۹۰ / دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود ۴۰
- غزل ۹۱ / گوهر مخزن اسرار همانست که بود ۴۱
- غزل ۹۲ / مسلمانان مرا وقتی دلی بود ۴۱
- غزل ۹۳ / کنون که در چمن آمد گل از عدم بوجود ۴۲
- غزل ۹۴ / تو رسم که اشک در غم ما پرده در شود ۴۲
- غزل ۹۵ / گر چه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود ۴۳
- غزل ۹۶ / گفتم: غم تو دارم، گفتا: غمت سر آید ۴۳
- غزل ۹۷ / دست از طلب ندارم تا کام من بر آید ۴۴
- غزل ۹۸ / نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید ۴۴
- غزل ۹۹ / رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید ۴۴
- غزل ۱۰۰ / معاشران زحریف شبانه یاد آرید ۴۵
- غزل ۱۰۱ / معاشران گره از زلف یار باز کنید ۴۵
- غزل ۱۰۲ / الا ای طوطی گویای اسرار ۴۶

فهرست مندرجات

غزل ۱۰۳ / یوسف گم گشته باز آید بکنعان	۴۶
غزل ۱۰۴ / نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر	۴۷
غزل ۱۰۵ / حالِ خونینِ دلان که گوید باز؟	۴۷
غزل ۱۰۶ / گل‌گذاری ز گلستانِ جهان ما را بس	۴۸
غزل ۱۰۷ / دردِ عشقی کشیده‌ام که مهرس	۴۸
غزل ۱۰۸ / اگر رفیقِ شفیقی درست پیمان باش	۴۸
غزل ۱۰۹ / باغبانِ گر پنج روزی صحبت گل بایدش	۴۹
غزل ۱۱۰ / فکرِ لیل همه آنست که گل شد یارش	۴۹
غزل ۱۱۱ / دوش با من گفت پنهانِ کاردانی تیزهوش	۵۰
غزل ۱۱۲ / مزن بردلِ زنوکِ غمزه تیرم	۵۰
غزل ۱۱۳ / نمازِ شامِ غریبانِ چو گریه آغازم	۵۱
غزل ۱۱۴ / مژده و صلی تو کو کوسرِ جان برخیزم	۵۱
غزل ۱۱۵ / من دوستدارِ رویِ خوش و مویِ دلکشم	۵۲
غزل ۱۱۶ / حجابِ چهره‌ی جان می‌شود، غبارِ تنم	۵۲
غزل ۱۱۷ / بمزگانِ سیه کردی هزارانِ رخته در دینم	۵۲
غزل ۱۱۸ / در خراباتِ مغان نورِ خدا می‌بینم	۵۳
غزل ۱۱۹ / خرم آن روز کزین منزلِ ویران بروم	۵۳
غزل ۱۲۰ / گر ازین منزلِ ویران بسویِ خانه روم	۵۴
غزل ۱۲۱ / ما درسِ سحر در ره میخانه نهادیم	۵۴
غزل ۱۲۲ / خیز تا خرقه‌ی صوفیِ بخرابات بریم	۵۵
غزل ۱۲۳ / بیا تا گلِ برافشانیم و می در ساغر اندازیم	۵۵
غزل ۱۲۴ / صوفی بیا که خرقه‌ی سالوس برکشیم	۵۶
غزل ۱۲۵ / ما نگویم بد و میل به ناحق نکنیم	۵۶
غزل ۱۲۶ / بارها گفته‌ام و بارِ دگر می‌گویم	۵۶
غزل ۱۲۷ / شاهِ شمشادِ قدان خسرو شیرین ده‌نان	۵۷
غزل ۱۲۸ / منم که شهره‌ی شهرم بعشق ورزیدن	۵۷
غزل ۱۲۹ / سحرگاهان که مخمورِ شبانه	۵۸
غزل ۱۳۰ / سحر با باد می‌گفتم حدیثِ آرزومندی	۵۸
غزل ۱۳۱ / طفیل هستی عشقت آدمی و پری	۵۹
غزل ۱۳۲ / ای که دایم بخویش مغروری	۵۹

مستباده‌ی ازل

- غزل ۱۳۳ / زکوی یار می‌آید نسیم بادِ نوروzy ۶۰
- غزل ۱۳۴ / عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بوالهوسی ۶۰
- غزل ۱۳۵ / نو بهارست در آن کوش که خوشدل باشی ۶۱
- غزل ۱۳۶ / هزار جهد بکردم که یارِ من باشی ۶۱
- غزل ۱۳۷ / این خرقه که من دارم در رهن شرابِ اولی ۶۲
- غزل ۱۳۸ / وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی ۶۲
- غزل ۱۳۹ / بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی ۶۳
- غزل ۱۴۰ / سحرگه و هروی در سرزمینی ۶۳
- غزل ۱۴۱ / لیلِ رشاخ سرو به گلبنگِ پهلوی ۶۴
- غزل ۱۴۲ / ای پی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی ۶۴
- غزل ۱۴۳ / در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی ۶۵
- غزل ۱۴۴ / سلامی چو بوی خوش آشنایی ۶۵

● فصل سوم - شرح و بررسی غزلیات حافظ

- کلید فهم غزل‌های حافظ ۶۷
- عشق از نظر حافظ ۷۱
- شرح غزل ۱ ۷۳
- بروز و ظهور عشق در غزل‌های حافظ ۷۵
- عرفان حافظ ۸۳
- شرح غزل ۲ ۸۸
- شرح غزل ۳ ۹۴
- شرح غزل ۴ ۹۸
- شرح غزل ۵ ۱۰۲
- شرح غزل ۶ ۱۰۵
- شرح غزل ۷ ۱۰۸
- شرح غزل ۸ ۱۱۱
- شرح غزل ۹ ۱۱۳
- شرح غزل ۱۰ ۱۱۶
- شرح غزل ۱۱ ۱۱۹
- شرح غزل ۱۲ ۱۲۳

فهرست مندرجات

۱۲۵	شرح غزل ۱۳
۱۲۷	شرح غزل ۱۴
۱۳۰	شرح غزل ۱۵
۱۳۳	شرح غزل ۱۶
۱۳۶	شعر زندانه گفتن، مرام و مذهب حافظ است
۱۴۲	شرح غزل ۱۷
۱۴۴	شرح غزل ۱۸
۱۴۷	شرح غزل ۱۹
۱۴۹	شرح غزل ۲۰
۱۵۳	شرح غزل ۲۱
۱۵۷	شرح غزل ۲۲
۱۶۰	شرح غزل ۲۳
۱۶۵	شرح غزل ۲۴

● فصل چهارم - تطبیق مفاهیم کلمات مشایخ عرفا با اشعار حافظ

استفاده‌ی حافظ از اصطلاحات عرفانی بر حسب هنر شاعری به همراه استفاده از قرآن

و حدیث ۱۷۱

خاتمه و نتیجه ۳۳۵